

عنوان مقاله: *Gratton and ...*
 نویسنده: ...
 سال چاپ: ...
 شماره مجله: ...
 شماره فصل: ...
 شماره صفحه: ...

هنر ساختن آینده‌ی کار

تحلیل نیروهای تأثیرگذار و تغییرات عمده در آینده‌ی زندگی کاری

مترجم: **لیندر گراتن**
 ترجمه‌ی مسعود بینش و سیما مهذب



نشر پژواک



نشر پژواک

آدرس: ...
 تلفن: ...
 وبسایت: www.duplicate.com

درونمایه

۷	پیشگفتار.....
۱۱	دیبیاچه: کار فردا از امروز آغاز شده است.....
۱۹	مقدمه: پیش‌بینی آینده‌ی کار.....
۳۵	پاره‌ی اول: نیروهایی که آینده‌ی شما را شکل خواهند داد.....
۳۷	۱. پنج نیرو.....
۷۳	پاره‌ی دوم: آینده‌ی تاریک.....
۷۷	۲. گسستگی: جهان سه دقیقه‌ای.....
۱۰۵	۳. انزوا: ریشه‌ی تنهایی.....
۱۳۷	۴. محرومیت: فقیران جدید.....
۱۷۱	پاره‌ی سوم: آینده‌ی روشن.....
۱۷۵	۵. هم‌آفرینی: هم‌سویی تأثیرگذاری و انرژی‌زایی.....
۱۹۷	۶. تعامل اجتماعی: طلوع یکدلی و توازن.....
۲۱۹	۷. کارآفرینی خُرد: ساختن زندگی‌های خلاق.....
۲۴۱	پاره‌ی چهارم: تغییر.....
۲۴۹	۸. اولین تغییر: از همه چیزدان سطحی تا متخصص چندبعدی.....
۳۱۵	۹. دومین تغییر: از رقابت جوی منزوی تا رابط نوآور.....
۳۵۱	۱۰. سومین تغییر: از مصرف‌کننده‌ی حریص تا تولیدکننده‌ی مشتاق.....
۳۸۵	پاره‌ی پنجم: یادداشت‌هایی درباره‌ی آینده.....
۳۸۹	۱۱. یادداشت‌هایی برای کودکان، مدیران عامل و کارگزاران.....
۳۹۹	کتابشاسی.....
۴۰۶	درباره‌ی نویسنده.....

پیشگفتار

چرا هنر ساختن آینده‌ی کار؟ زیرا برای فرار از آینده‌ی تاریک حرفه‌ای که در نتیجه‌ی منفعلانه عمل کردن پیش روی ما خواهد بود، می‌توان با تغییر در نگرش و رفتارها و نیز به استناد سناریوهای خلاقانه‌ی نویسنده‌ی کتاب، آینده‌ی روشن کار را برای خود هنرمندانه ساخت.

لیندا گراتن تحلیل آینده‌ی کار را در قالب سفری ارائه داده است که در آن، هم نیم‌نگاهی به تحولات انقلاب صنعتی در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم داشته و هم پیشران‌های تغییر و تحول را در ترکیب ظریفی از پنج نیرو یافته است: نیاز به اقتصاد کم‌کربن، پیشرفت سریع فناوری، گسترش جهانی‌شدن، تغییرات ژرف در روند جمعیت و طول عمر، و تغییرات مهم اجتماعی.

او در این سفر مسیرهای احتمالی را به‌سوی آینده به تصویر می‌کشد. گاه مسیر به گونه‌ای است که جنبه‌های منفی این پنج نیرو را برجسته می‌کند و به آینده‌ای گسسته، پراز انزوا، توأم با خودپرستی، محرومیت و فقر می‌رسد. او این آینده را «آینده‌ی تاریک» می‌نامد که در آن، این پنج نیرو به‌طور مجزا یا در ترکیب با یکدیگر، بر اعمال ما پیشی می‌گیرند و انسان را در موضعی منفعلانه قرار می‌دهند. گاه در این مسیر، جنبه‌های مثبت این پنج نیرو تحت کنترل انسان درمی‌آیند و انسان به‌صورت فعالانه آینده‌ای را می‌آفریند که تحت هدایت خودش قرار دارد. او این آینده را «آینده‌ی روشن» می‌نامد.

خانم گراتن برای هر یک از این پنج نیرو قطعات و نکاتی را در نظر می‌گیرد — در مجموع ۳۲ قطعه — که شکل‌دهنده‌ی دهه‌های آینده‌ی زندگی کاری است. هر یک از ما، به تناسب موقعیت فکری و

عملی که داریم می‌توانیم برخی از این قطعات را کنار بگذاریم، آنها را مرتب کنیم و از میان آنها الگوهایی را استخراج کنیم که آنچه را درباره‌ی آینده باور داریم در ما طنین‌انداز کند.

دکتر گراتن بر اساس داستان‌های متعددی که از زندگی کاری افراد در دهه‌های آینده ارائه می‌دهد، باور دارد که در مسیر منفی حرکت به آینده، سه موضوع اصلی گسست، انزوا و محرومیت ظاهر می‌شود. او بر این باور است که رهایی از این سه معضل، مستلزم تغییر اساسی در شیوه‌ی فکری و رفتاری ماست. ما باید از سطحی بودن به تخصص و تبحر عبور کنیم. دیگر، همه‌چیزدانی و همه‌فن‌حریفی در روزگار آتی کاربردی نخواهد داشت، بلکه تبحر در چند حوزه‌ی تخصصی مورد نیاز خواهد بود. این، محور اصلی اولین تغییری است که برای داشتن زندگی موفق در آینده حیاتی است.

کاهش اندازه‌ی خانواده‌ها، افزایش قیمت انرژی، رشد بی‌اعتمادی در جامعه، کم‌فروغ شدن شادمانی و به‌ویژه صرف زمان فراوان فراغت به‌صورت منفعلانه و غیرمؤثر پای تلویزیون، به‌جای پیوستن به گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی، به انزوای بیشتر انسان‌ها انجامیده است. این‌که چگونه می‌توانیم از انزوا رهایی پیدا کنیم، موضوع دومین تغییری است که خانم گراتن بر آن انگشت‌تاکید می‌نهد و رفتن از انزوا به ارتباط را چاره‌ی درد می‌داند.

امروزه افراد بی‌شماری هستند که از قافله‌ی توسعه‌ی جهانی بازمانده‌اند. البته اینان لزوماً فقط کسانی نیستند که در مناطق محروم متولد می‌شوند، بلکه فقیران جدید کسانی هستند که نمی‌توانند به بانک جهانی استعداد ببیوندند، بدون توجه به این‌که در کجا متولد شده باشند. این نابرابری‌ها به افول اعتماد و افزایش اضطراب اجتماعی منجر شده و حالت پریشانی را در افراد افزایش داده است. رهاشدن از محرومیت، مستلزم پذیرش سومین تغییر است که در آن باید حرص

مصرف کنار نهاده شود و فرد از مصرف‌کننده‌ی حریص به تولیدکننده‌ی خلاق و مشتاق تبدیل شود.

بنابراین باید الگوهایی را ساخت که از منظر خوش‌بینانه‌ی داستان سناریوها استخراج شود و آینده‌ی پیش رو را مثبت و نورانی نشان دهد. این همان آینده‌ی روشن است. در این حالت از هم‌سویی تأثیرگذاری و انرژی‌زایی می‌توان به هم‌آفرینی رسید. نیروهای فناوری از طریق گسترش شبکه‌های اجتماعی توانسته میلیاردها ساعت فراغت مؤثر را در یک همکاری شبکه‌ای به کار گیرد و مشارکت اجتماعی را افزون کند. ضمن این‌که داشتن تجربه‌ی مولد و کار با معنا را جایگزین مصرف‌حریصانه کرده است.

بنابراین باید دانست که در دهه‌های آینده بسیاری از فرضیه‌های سنتی درباره‌ی شغل و مسیر شغلی فرو می‌ریزد. جهان با شتاب بسیار در حال گذار است و بسیاری از باورها درباره‌ی ماهیت کار و نحوه‌ی انجام آن در حال تغییر است. برای خلق یک آینده‌ی کاری باارزش، باید تغییرات اساسی در فرضیه‌ها، دانش، مهارت‌ها، عادت‌ها و شیوه‌های کار ایجاد کرد.

در این سفر پرمخاطره و هیجان‌انگیز، هم از شب تاریک آینده‌ای عبور می‌کنیم که عوامل و نیروهای بیرونی عنان حرکت و هدایت را از ما می‌گیرند و ما را به جایی می‌برند که گویی از قبل مفروض است و مورد خواست و انتظارمان نیست، و هم از روز روشن آینده‌ای عبور می‌کنیم که با تسلط بر نیروهای بیرونی مسیر و جهت را خود تعیین می‌کنیم و آینده‌ی را خود می‌سازیم. کوشش خانم لیندا گراتن در این کتاب آن است که تفاوت مؤلفه‌های آینده‌ی تاریک و روشن را بیان کند و هنر ساختن آینده‌ی روشن را به‌شکلی کاملاً مثبت و مبتنی بر همدلی و مشارکت و از منظری زنانه و لطیف نشان دهد.